

## رمزگشایی اهداف و پیامدهای نفوذ دشمن در مراکز علمی و آموزشی



### مقدمه

طبق فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، مسئله نفوذ همراه با برجام می‌تواند خطراتی را متوجه آینده ایران اسلامی کند و همین امر تلنگری در ذهن مسئولان و مخاطبان ایجاد کرد تا چاره‌ای برای آن بیاندیشند و مسئله نفوذ را در دستور کار سازمانها و جریانهای انقلابی خود قرار دهند. نفوذ موضوعی نیست که در حال حاضر مطرح شده باشد، بلکه با شروع انقلاب و ایجاد چالش در نظم جهانی و نظام سلطه توسط ایران، به عنوان نقطه کانونی و هدف نظام سلطه علیه کشورهای برهم زنده نظم جهانی به کار رفت و به علت شرایط خاص به وجود آمده کنونی در این مقطع برجسته شد. یکی دیگر از دلایلی که باعث شد به مسئله نفوذ پرداخته شود، شکست‌های پی در پی آمریکا و نظام سلطه در جنگ سخت علیه کشورهای هدف و روی آوردن به حوزه جنگ نرم بود.

حقوق بشر، آزادی و تروریسم تعریف شده است، ضمن اینکه می‌توان هسته‌ای را هم در مورد ایران اضافه

کرد و به عبارتی وظیفه همه این محورها، راه کار اجرایی مهار دنیای اسلام است.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «نظام سلطه را با تمام ابعاد و لایه‌هایش بشناسید و اهداف و راهبردهای واقعی آن را تجزیه و تحلیل کنید و برای رویارویی با آن تمام ظرفیتهای خودتان را به کار گیرید و در این مسیر به وعده‌های خداوند اطمینان داشته باشید.»<sup>1</sup>

### تقابل نظام سلطه با دنیای اسلام

نظام غرب دارای ساختاری است که مبتنی بر تقابل، فرآیند مهار، ادغام و در حقیقت نفوذ، اعمال می‌شود. این فرآیند در آمریکا در چند سطح طراحی و اجرا می‌گردد:

**1- سطح سیاست گذاری:** شورای امنیت ملی آمریکا، عالی‌ترین سطحی است که مسئله نفوذ را مدیریت و برنامه‌ریزی می‌کند. اکثریت اعضای این شورا نهادهای اطلاعاتی، امنیتی آمریکا هستند که بخشی از این شورا را

تشکیل می‌دهند. اعضای دیگر این شورا وزارت خارجه، پنتاگون، دفتر برنامه ریزی آمریکا، مشاور امنیت ملی آمریکا (دبیر شورا)؛ رئیس جمهوری و مشاور رئیس جمهور هستند. وجه تمایزی که این شورا دارد؛ این است که مصوبات را بسیار جدی و محکم اجرا می‌کنند و هیچ کوتاهی از سوی آنها در اجرای مصوبات صورت نمی‌گیرد.

**2- سطح راهبردی:** برای اجرای این مصوبات سطحی پایین‌تر از سطح شورای امنیت ملی آمریکا؛ یعنی سطح راهبردی عهده‌دار مسئولیت می‌شود که در این سطح نیز دو وزارتخانه به خصوص وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا مشغول فعالیت هستند.

در سطح راهبردی، چهار سازمان، ساختار اصلی وزارت خارجه آمریکا را تشکیل می‌دهند. یکی از مهمترین معاونتهای وزارت خارجه آمریکا، معاونت دیپلماسی عمومی و امور عمومی است. یکی از زیرمجموعه‌های این معاونت، اداره کل آموزشی و فرهنگی است که اداره سعت موسسه را به عهده دارد و به عنوان قرارگاه فرماندهی این موسسات شناخته می‌شود. این شصت موسسه دارای شبکه عملیاتی هستند که از این شبکه، 100 نهاد دیگر فعالیت می‌کنند که بخشی از این 100 نهاد، توسط ایرانی‌های مخالف نظام اسلامی مقیم آمریکا که به نفع آمریکا و علیه ایران فعالیت می‌کنند، اداره می‌گردد.

مهمترین سندی که ایران می‌تواند مدعی شود سند امنیت ملی و راهبردی است که برای مهار دنیای اسلام و جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌کند.

### **راهبرد دشمن در مهار دنیای اسلام**

منظور از مهار دنیای اسلام، عربستان، اردن، ترکیه، پاکستان و افغانستان نیست، بلکه محور مقاومت است که در دستور کار مهار قرار گرفته تا به نظم نوین جهانی بپیوندد و در آن ادغام گردد.

راهبرد مهار دنیای اسلام در سه محور حقوق بشر، آزادی و تروریسم تعریف شده است، ضمن اینکه می‌توان هسته‌ای را هم در مورد ایران اضافه کرد و به عبارتی وظیفه همه این محورها، راه کار اجرایی مهار دنیای اسلام است.

### **اهداف دشمن در مهار دنیای اسلام**

**1- تغییر اذهان:** پس از ورود آمریکا به عراق و پذیرش شکست، آنها به این نتیجه رسیدند که حضور در جهان اسلام به شیوه سخت، بسیار پرهزینه است و نهایتاً تغییراتی ایجاد کردند. اولین، جامع‌ترین و اساسی‌ترین سند راهبردی را از سال 2003 به بعد تحت عنوان تغییر اذهان منتشر کردند، قرا شد این سند 81 صفحه‌ای در فاصله زمانی 2003 تا 2023 و به مدت بیست سال، عملیاتی گردد.

آنها در سال 2003 نسخه‌های راهبردی را به صورت انگلیسی منتشر کردند اما در سال 2005 به علت اینکه به دنبال شبکه سازی اجتماعی بودند نسخه عربی آن را نیز منتشر و از سال 2012 به بعد نسخه فارسی را نیز اضافه نمودند. نکته اساسی قابل توجه این است که؛ سند تغییر اذهان، اولین سندی است که صحبت تعامل و مذاکره بر موضوع هسته‌ای ایران رای مهار دنیای اسلام را مطرح می‌کند.

**2- تغییر مسیر:** خانم آلبرایت و آقای ریچارد آرمیتاژ «تغییر مسیر» را از اصول کلی حاکمیت آمریکا معرفی کردند و عقلای دو حزب و وفاداران ارزشهای لیبرالی طی جمع بندی صورت گرفته، سندی با عنوان تغییر مسیر

را که دو سال به طول انجامید ارائه دادند. همچنین از اعضای ایرانی این کار گروه، می‌توان به ولی نصر پسر سید حسین نصر اشاره کرد.

براساس آنچه در این سند مطرح گردیده است؛ آنها معتقدند نباید اجازه الگو شدن ایران را به علت تقابل با غرب داد.

نکته اساسی دیگری که می‌توان در این سند به آن اشاره کرد؛ حوزه جنگ نرم است، آنها به این نتیجه رسیده‌اند که در صورت عدم موفقیت در حوزه جنگ سرد باید به سمت جنگ نرم حرکت کرد و راه ورود به جنگ نرم تعامل می‌باشد و اولین و مهمترین راه در موضوع تعامل با ایران موضوع هسته‌ای است.

**3- تسلیم اراده‌ها:** در سال 2010 وزارت خارجه آمریکا یک طرح واره نفوذ در سه حوزه نخبگان، حکومت و عموم مردم ارائه کردند. همچنین تغییرات آب و هوایی را نیز با عنوان منشاء تهدیدات امنیتی ذکر کرده‌اند. در این طرح واره هدف اصلی آمریکایی‌ها تمرکز بر روی نخبگان ایرانی است به گونه‌ای که آنها 20 درصد از تمرکز خود را در حوزه مردم، 20 درصد حاکمیت و 60 درصد دیگر را بر روی نخبگان عملیاتی کرده‌اند.

**بیشتر بخوانید: نفوذ از طریق برجام**

### **دست یابی به آموزش آمریکایی**

آنها به این نتیجه رسیده‌اند که برای حضور پایدار و دراز مدت در دنیای اسلام نباید از نیروی نظامی به صورت گسترده استفاده کرد و باید به دنبال راه کم هزینه‌تری بود. از این رو «تربیت اندیشمندان آینده جهان اسلام» را کلید زدند و طوری وانمود کردند که جهان اسلام با مظاهر سیاسی غرب مشکل دارد ولی مظاهر علمی و فناوری غرب را به شدت تحسین می‌کند.

به طوری که طبق نظرسنجی موسسه گالوپ 78 درصد از افراد جهان اسلام از جمله ایرانی‌ها، علم و فناوری آمریکا را به شدت تحسین می‌کنند، یعنی اگر با ساختارهای سیاسی، امنیتی و اجتماعی نظام سلطه مشکلاتی وجود داشته باشد اما با دستاوردهای علمی و فناوری مشکلی وجود ندارد و باید راه تعامل باز گردد.

آنها از همین روزنه ورود پیدا کردند و شروع به فعالیت و تربیت در حوزه‌های علمی فناوری و نخبگان کردند. این همکاریها نیاز به یک نقطه شروعی دارد و آن نقطه شروع می‌تواند ورود زبان انگلیسی به کشورهای جهان اسلام باشد، اما مشکلی که وجود داشت عدم آشنایی کشورهای اسلامی به زبان انگلیسی بود که پس از صرف بودجه‌های بسیار بالا، زبان انگلیسی را در دنیای اسلام ترویج دادند تا نقطه نفوذی برای حضور در جوامع اسلامی فراهم گردد.

### **مبادله**

از این برنامه و در طول مدت 9 سال (1994 تا 2003) و تربیت هفتصد هزار نفر، آنها موفق شدند 1500 نفر از تربیت یافتگان خود را در سمت وزیر مشاهده کنند. همچنین بودجه‌ای را که آقای کالین پاول در سال 2003 برای این برنامه آموزشی در نظر گرفت 245 میلیون دلار بود.

با توجه به موفقیتی که آنها از راه آموزش به دست آورده بودند، اواما در دومین سخنرانی خود بعد از برجام تصریح کرد که می‌توان در ایران از طریق موارد ذیل تغییر ساختار و ماهیت ایجاد کرد:

1- مبادلات تجاری

2- مبادلات دانشجویی

**اهداف تبادل:**

1- تربیت رهبران جهان

2- ایجاد مراکز آموزشی زبان انگلیسی

3- مشارکت بخش خصوصی

**روند آمریکا در حوزه نخبگان**

در پی انتشار سندی در سال 2015 ورود به حوزه نخبگان آغاز گردید:

در بخشی از این سند آمده است: ما در حال به دست گرفتن ابتکار عمل برای ایجاد روابط با جوانان جهان، شناسایی رهبران آینده در دولت، کسب و کار و جامعه مدنی، اتصال آنها به یکدیگر و مهارتهای مورد نیازشان برای رشد کردن هستیم. ما برنامه‌های جدید تبادلات میان جوانان آمریکایی و افریقایی تا جنوب شرقی آسیا را ایجاد کردیم و باعث موفقیت رهبران جوان شدیم، ما در حال افزایش تبادلات تحصیلی در خود هستیم.

**سفر هیئات آمریکایی به ایران**

زمانی که همه ذهن‌ها و نگاهها به سمت برجام دوخته شده بود، سفری از سوی نمایندگان آمریکا به ایران صورت گرفت و در آن سفر دیداری با وزیر علوم و سپس از دانشگاهها و مراکز علمی اصلی ایران انجام شد. به طوری که در طول 10 روز سفر هیئات علمی آمریکا به ایران از همه موسسات قابل توجه علمی بازدید به عمل آمد.

**بیانیه هیئات آمریکایی**

در تاریخ 3 مردادماه و پس از بازگشت هیئات علمی به آمریکا، مسئول تیم اعزامی آمریکا، آقای آلن گودمن گزارشی در مورد سفرشان به ایران، ارائه نمود که گزارش خود را با این عنوان شروع می‌کند: ایران را با این دید برای دیگران روایت می‌کند که ترافیک تهران یک مقدار بهتر از قبل شده است و غیرمستقیم القاء می‌کند که با روی کار آمدن دولت جدید، باید امیدوار بود تا ترافیک روان تر گردد البته منظور او از ترافیک تهران، ترافیک خودروهای تهران نیست بلکه ترافیک رفت و آمدهایی است که قرار است اتفاق بیافتد و نفوذ را روان تر گرداند.

- پیشانی اقدامات ما با کشورهایی که ارتباطات کامل سیاسی نداریم دیپلماسی آموزشی است و این رابطه را قبلا با چین و ویتنام شروع کردیم و همچنین با کوبا و میانمار نیز ادامه دادیم و الان نیز نوبت ایران است تا رابطه برقرار کنیم.

**آلن گودمن چه کسی است؟**

این فرد مدت کوتاهی معاون هماهنگ کننده CIA بود. همچنین وی در زمان کارتر مسئولیت مرکز برآوردهای خارجی وزارت خارجه آمریکا را به عهده داشت. او اولین نفری بود که گفتگوهای آمریکا با شوروی و مسئله تنش زدایی با چین را آغاز کرد.

برای اولین بار بود که آلن گودمن به ویتنام رفت و موضوعی را با عنوان: «ما کاری به روابط سیاسی نداریم و به دنبال روابط آموزشی هستیم» را مطرح کرد. در صورتی که این فرد تا به حال هیچ پروژه علمی به غیر از پروژه در حوزه CIA ارائه نداده است. اکنون هم موسسه آموزش بین الملل که ریاست آن را برعهده دارد از موسساتی است که توسط CIA هدایت می‌گردد.

### موسسه آموزش بین الملل

طی گزارشی توسط موسسه آموزش بین الملل در حوزه ایران در سال 2014، حدود 10194 نفر از دانشجویان ایرانی مشغول به تحصیل در دانشگاههای آمریکایی، تحت پوشش و تربیت این موسسه هستند که از این تعداد 40 درصد در رشته علوم انسانی، 45 درصد در رشته‌های فنی و بقیه دانشجویان در دیگر رشته‌ها مشغول به تحصیل می‌باشند. درآمد مالی به دست آمده از دانشجویان ایرانی 262 میلیون دلار است و در واقع به دور از بحث درآمد زایی که برای آمریکا داشته است اگر یک درصد از این دانشجویانی که با تفکرات آنها پرورش یافته‌اند به ایران برگردند یعنی اینکه 100 نفر از این طیف دانشجویان را وارد سیستم ایران کرده‌اند.

متاسفانه در درون دانشگاه‌ها برخی از اساتید وظیفه ارتباط دهی بین نهادهای آمریکایی و اروپایی را

برعهده گرفته و در پوشش کمک به رشد علمی دانشجویان با شناسایی نیروهای نخبه و مستعد زمینه

ارتباط آنان را به صورت شبکه‌ای با این نهادهای مجری نفوذ و شکار نخبگان، فراهم می‌کنند.

### پیشنهاد آلن گودمن

1- به جای اینکه آمریکا در حوزه سخت با ایران مبارزه کند وارد حوزه نرم شود تا اگر زمانی که نیرویی تربیت شد و وارد دانشگاهها گردید، حداقل سی سال این نیرو اهداف ما را دنبال خواهد کند و احتمالاً از این طریق به مناصب حاکمیتی نیز دست پیدا کند.

2- آلن گودمن به رئیس دانشگاه الزهرا پیشنهاد می‌دهد تا این دانشگاه در سال 2030 به عنوان سه دانشگاه برتر جهان در حوزه زنان معرفی گردد. اما اگر این دانشگاه در حوزه زنان اسلامی دارای پیشرفت‌هایی شود آیا باز هم این پیشنهاد مطرح خواهد شد؟! آیا مقابل آن نخواهند ایستاد و موضع نخواهند گرفت؟

### اهداف راهبردی موسسه آموزش بین الملل

یکی از نهادهای پوششی برای پیشبرد نفوذ در کشورهای هدف موسسه آموزش بین الملل می‌باشد که برای تحقق نفوذ، اقدامات ذیل را در دستور کار دارد:

1- چاپ کتاب با نگاه آمریکایی در کشف هدف

2- تربیت دانشجویان و تلاش برای کسب رتبه‌های علمی و هیئت علمی دانشگاهها

این اهداف از هدفهای پایین دستی این موسسه است و آنها از این طریق به دنبال انتخاب رهبران اصلی از بین آنها می‌باشند.

### اصلاحات در حوزه

موسسه رند در سال 2003 پس از انتشار سندی با عنوان «دنیای اسلام پس از 11 سپتامبر» مطرح می‌کند که اشتباه ما این بود که فقط در دانشگاهها نفوذ کرده و حوزه را فراموش کردیم.

همچنین مطرح می‌کند یکی از دلایلی که تا به حال باعث دوام ایران گردیده منبع تامین نیرویی دو گانه است. منابع آکادمیک و حوزوی باعث شده تا ایران برای تامین نیروی خود از آن استفاده کند. به همین منظور سندی با عنوان اصلاحات در حوزه و مسجد را مطرح می‌کنند.

### پیشنهاداتی در مورد مهار دنیای اسلام:

1- شبکه سازی از افراد معتدل

2- توهین به افراد افراطی

3- آموزش به عنوان میدان نبرد حیاتی

4- تقویت اصلاحات حوزه

5- اصلاحات مسجد

6- اسلام مدنی

پس از طرح این موضوع بود که در سال 2003 به فکر تفرقه بین شیعیان افتادند تا بتوانند شیعه را از یکپارچگی خارج سازند. تا بالاخره پس از سالها فعالیت گروههای انحرافی در سال 2014 بحث تشیع انگلیسی و فعالیت‌های تفرقه افکنانه آنها مطرح شد که به طور مستمر به توان خود افزوده است و در مواجهه خود با تشیع بسیار جدی عمل می‌کند.

### موسسه NED

موسسه ned قرارگاه فرماندهی براندازی در تمام کشورهای مخالف آمریکاست. همچنین این موسسه تنها سازمانی است که تحت نظارت مستقیم کنگره و رئیس جمهوری اداره می‌شود و هدف این موسسه هدایت ایران به سمت نظم نوین جهانی است. این موسسه از طریق بورسیه کردن دانشجویان نخبه ایرانی دعوت از آنها به زبان فارسی، اهداف خود در ایران را دنبال می‌کند و ارتباط افراد با ساختار حاکمیتی آمریکا را تسهیل می‌کند.

پس از انقلاب متوسط کادرسازی جهت تقویت سازمانها در ایران 10 هزار نفر بود که پس از تسخیر سفارتخانه آمریکا توسط جوانان انقلابی ناگهان تربیت نیرویی آنها از 10 هزار نفر به 38 هزار نفر افزایش پیدا کرد. این در حالی است که ممکن است بین آنها هم افرادی باشند تا سیاستهای آنها را دنبال نکنند، اما به هر شکلی از این افراد نیروهایی تربیت می‌شوند تا به عنوان هیئت علمی معرفی گردند. کما اینکه در سال 1380 از 16 نفر دانشجوی رتبه اول کنکور 12 نفر به خارج رفتند و فقط یک نفر از آنها به ایران برگشت. هر فردی که در

سیستم دانشگاهی دچار اختلاف گردید بلافاصله سر از موسسه ned درآورد و یک دوره سه ماهه را می‌گذراند. بعنوان نمونه علی افشاری از عناصر افراطی و معارض نظام جمهوری اسلامی ایران سر از این موسسه درآورده است.

### اعضای موسسه NED

حسین بشیریه: اولین فرد ایرانی پس از انقلاب که عضو موسسه ned شد و پس از او نیز افرادی مانند مصطفی ملکیان به این موسسه پیوستند.

فرانسیس فوکویاما: عضو هیئت رئیسه موسسه ned و نظریه پایان تاریخ

آذر نفیسی: مدیر کل دانشجویی یکی از دانشگاهها و شبکه نیروی انسانی دانشجویان در ایران بود و در حال حاضر در کنار فوکویاما مشغول به فعالیت است.

جالب تر اینکه متاسفانه در درون دانشگاهها برخی از اساتید وظیفه ارتباط دهی بین نهادهای آمریکایی و اروپایی را برعهده گرفته و در پوشش کمک به رشد علمی دانشجویان با شناسایی نیروهای نخبه و مستعد زمینه ارتباط آنان را به صورت شبکه‌ای با این نهادهای مجری نفوذ و شکار نخبگان، فراهم می‌کنند. علاوه بر این برخی از مسئولان نیز با پوشش اردوهای دانشجویی خارج از کشور خواسته یا ناخواسته موجب ارتباط گیری وی یا شوق پیوستن به این شبکه‌های مافیایی شکار نخبه و نفوذ، به نفع دشمن می‌شوند.

پی‌نوشت:

1. کنفدراسیون دانشجویان اروپا در سال 90.

منبع مقاله : کمیته علمی پرتال فرهنگی راسخون

### مقالات مرتبط :

بازنمایی برج‌ها؛ «واقعیت‌ها»، «حقیقت‌ها» و «پیامدها»

سناریوی نفوذ

علت یابی و هدف شناسی رویکرد آمریکا به مذاکره با جمهوری اسلامی ایران

نفوذ از طریق برج‌ها

بیست و پنج پرسش برج‌های

چند نکته برای تبیین بطن برجام

گزارش نهایی کمیسیون ویژه برجام